

بسم الله الرحمن الرحيم

گفتگو با آقای عصام العماد — جلسه دوم

شبکه سلام : 86/8/20

مجری شبکه سلام ، جناب آقای هدایتی :

با عرض سلام خدمت بینندگان محترم ، در این برنامه نیز ادامه گفتگو با جناب آقای دکتر عصام العماد را خواهیم داشت . قبل از آغاز سخن ولادت باسعادت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را به شما تبریک و تهنیت عرض می کنم؛ بزرگ بانویی که روایات فراوانی داریم مبنی بر اینکه هر کس ایشان را با معرفت در قم زیارت کند بهشت بر او واجب می شود .

جناب آقای دکتر عصام سلام علیکم ! خوشحال هستیم که یک بار دیگر توفیق پیدا کردیم در خدمت شما باشیم . اگر شما صحبتی به عنوان مقدمه دارید بفرمائید تا بنده سؤالاتم را تقدیم کنم .

دکتر عصام العماد :

بسم الله الرحمن الرحيم و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین . یک نکته ای در مورد علت انتقال

بنده از وهابیت به مذهب تشیع از جلسه قبل ماند و آن اینکه یک مسأله مهمی که باعث شیعه شدن

بسیاری از کسانی است که قبلاً وهابی بوده اند و جیداً هم توسط یکی از بزرگان وهابیت مطرح شده

است ، مسأله «مودت اهل بیت» است . از این جهت در میان وهابیت تناقض وجود دارد ؛ از یک طرف

در کتاب های وهابیت آیات و روایات فراوانی در مدح و فضیلت اهل بیت و پنج تن و امام علی وجود

دارد و اینکه محبت اینها بهترین وسیله است و از طرف دیگر در مقام عمل همیشه علیه حضرت زهرا و حسنین سخن می گویند و اینها رابه عنوان شخصیت های منفی مطرح می کنند. واقعاً این تناقض حل شدنی نیست و یکی از انگیزه های شیعه دوازده امامی شدن من همین مسأله است .

یکی از شیوخ وهابیت به نام شیخ طارق می گفت : «ما وهابی ها به عزاداری و جشن گرفتن شیعه نسبت به اهل بیت ایراد می گیریم و می گوئیم چرا شما روز شهادت امام حسین یا امام حسن عزاداری می کنید ؟ و حال آنکه هر فریضه اسلامی دو جنبه دارد : یکی جنبه اعتقادی و تئوری و دیگری جنبه عملی ؛ ما نماز را قبول داریم و عملاً در خارج نماز می خوانیم ، فریضه حج نیز همین طور است ؛ منظور اینکه اعتقاد صرف کافی نیست و باید آن فریضه را خارج محقق گردد .تنها فریضه ای که ما فقط جنبه تئوری آن را گرفته ایم و کاری به جنبه عملی آن نداریم فریضه مودت و محبت اهل بیت است . ما قائل به فضیلت و مودت اهل بیت هستیم ، امام حسن و امام حسین را قبول داریم ولی در مقام عمل هیچ کاری انجام نمی دهیم و از آن طرف شیعیان را به خاطر این مراسمات و عزاداری ها محکوم می کنیم و می گوئیم اینها بدعت گذاری کرده اند ، لاقلاً شیعیان مسأله مودت اهل بیت را عملاً انجام داده اند ، اگر اشتباه کرده اند و بدعت انجام داده اند ما که هیچ کاری برای اهل بیت انجام نداده ایم ، نه تنها کاری انجام نداده ایم بلکه کتاب های فراوانی هم علیه اهل بیت نوشته ایم . کدام مقصرتراوند ، شیعیان یا ما ؟ »

ایشان را بعد از این سخنرانی مطرود و اخراج کردند . خلاصه اینکه بسیاری از کسانی که شیعه شده اند به خاطر وجود چنین روایاتی بوده که در وهابیت هیچ اثر عملی ندارند .

هدایتی :

جناب آقای دکتر عصام شما چه مدتی است که به مذهب تشیع روی آورده اید و آیا در این مدت مناظراتی هم با علمای وهابی داشته اید یا نه ؟ اگر داشته اید آنها را بیان و نکات اساسی این مناظرات را برای ما بازگو بفرمائید ؟

من مراحل زیادی را گذراندم تا اینکه به حقانیت مکتب اهل بیت پی بردم و وقتی شیعه شدم چند کتاب به نام های « روشی نو و صحیح در گفتگوی اعتقادی با وهابیت » و « نقد شیخ محمد عبد الوهاب از درون » و بعد نوشتن کتاب اول بر اساس این کتاب مناظره داشتم . در ابتداء با عمویم که یکی از علماء بزرگ وهابیت است و سپس با برخی از افراد خانواده ام مناظره داشتم ، مناظره ای با یکی از رهبران وهابیت . در مصر به نام شیخ محمد مصری که خیلی هم معروف است داشتم

آخرین مناظره بنده با شیخ عثمان الخمیس بود که به صورت صوتی و تصویری ضبط شده و موجود است تحت عنوان «الزلزال» ؛ عثمان الخمیس یکی از رهبران بزرگ وهابیت در قرن معاصر و از اساتید و مفتیان بزرگ در عربستان است و کتب های متعدد نوشته اند و سایتی هم دارند . من ابتداء به ایشان گفتم که بنده کتابی درباره روش گفتگوبا وهابی ها دارم می خواستم بر اساس روشی که نوشته ام مناظره ای با شما داشته باشم و بالاخره ایشان قبول کردند. من به ایشان گفتم که بنده هیچ دشمنی با وهابیت و محمد بن عبدالوهاب ندارم و بیائیم مسأله اهل بیت را بر اساس مبانی شیخ الاسلام ابن تیمیه مطرح کنیم و ایشان راحکَم قرار بدهیم . گفتم : ببینید شیخ الاسلام ابن تیمیه مشکل تناقض دارد ؛ از یک جهت فضائل اهل بیت را در کتاب های متعدد خود نقل می کند ، حدیث ثقلین را قبول می کند و آن را تصحیح می کند ، حدیث کساء به نقل از عایشه و یا احادیث ائمه دوازده گانه را قبول و آنها را تصحیح می کند – احادیثی را مطرح کردم که هم ابن تیمیه ، هم محمد بن عبدالوهاب ، هم عثمان الخمیس و هم همه وهابیت آنها را قبول دارند – و گفتم پیرامون احادیثی سخن بگوئیم که هر دوی ما آنها را قبول داریم و کاری نداریم که شیعه چه می گوید ، اصلاً فرض کنیم که مذهب شیعه دوازده امامی وجود خارجی ندارد ؛ پیامبر فرمود : «بعد از خود دو چیز در بین شما می گذارم» این یعنی واقعاً امام علی و اهل بیت عدل قرآن هستند و بعد از من اینها جانشینان من هستند . سپس بعد از این حرف از سخنان

علمای وهابیت در قدیم و در قرن معاصر استفاده کردم از جمله یانیه ای که چند سال قبل از علماء و مفتیان بزرگ وهابیت در عربستان صادر شد و همه آنها آن را امضاء هم کردند که امام مهدی امام دوازدهم است . به عثمان الخمیس گفتم : آقای عثمان الخمیس من الان واقعاً مشکل دارم و اگر شما برای من ثابت کنید که اعتقادات مذهب شیعه اثناعشری باطل است ، به خدا من حاضرم و از خدامی خواهم که دوباره وهابی شوم چون مشکلات زیادی به خاطر شیعه شدن من برایم به وجود آمد و به همین دلیل از خدا می خواهم که دوباره برگردم به خانواده و به کشورم ، شما چه جوابی به حدیث ائمه دوازده گانه می دهید ؟

ایشان این طور جواب دادند که : ائمه دوازده گانه ابوبکر ، عمر ، عثمان ، علی ، معاویه ، یزید ، مروان بن حکم ، عبدالملک بن مروان و دوازدهمین امام مهدی است .

من گفتم که این تناقض است ؛ امام علی و امام مهدی که از اهل بیت هستند درست ولی چطور ممکن است که معاویه ، یزید ، عبدالملک و دیگران که قاتلین اهل بیت پیامبر هستند از ائمه دوازده گانه باشند . متأسفانه ایشان در این مدت 8 ماهی که مناظره ما طول کشید مدام اصرار داشتند که معاویه ، یزید ، عبدالملک و دیگران از ائمه دوازده گانه هستند و می گفت که اکثر ائمه اموی هستند و قائل بود که عباسیان گمراه بودند .

در ادامه مناظره مان عثمان الخمیس متذکر شیعه شدن یک از حقوقدانان زن امریکا به نام امینه مغربیه هم شدند و خیلی هم ناراحت بودند و این خانم همین سؤالات را از آقای عثمان الخمیس پرسیده بود و گفته بود که این سؤالات نبیلد بی پاسخ بماند و بحمدالله بعدها شیعه شد و به عثمان الخمیس گفته بود که من حاضرم با شما مناظره کنم .

بنده خیلی برادرانه با ایشان صحبت و مناظره می کردم ، من از ایشان پرسیدم : دیدگاه شما نسبت به محمد شوکانی چیست ؟ - این شخص نزد وهابی ها خیلی مقدس است ، یمنی است و شاید بتوان گفت

بعد از شیخ محمد بن عبدالوهاب دومین رهبر وهابیت و معاصر اوست و اصلاً در همان ابتداء یعنی در زمان محمد بن عبدالوهاب وهابیت بعد از عربستان وارد یمن شد ، شوکانی کتابی دارد به نام نیل الاوطار که در عربستان جزو مهمترین کتب های درسی است و دیوانی دارد در مرثیه شیخ محمد بن عبدالوهاب و اعتقاد داشته که محمد بن عبدالوهاب مجدّد اسلام است – من گفتم که شخصیت شوکانی برای ما وهابی ها مقدس است ، ببینیم که شوکانی چه می گفت ؟ شوکانی گفته است که اگر کسی به دو نفر که بین آنها رابطه پدری و پسری وجود ندارد پدر و پسر بگوید این شخص به اجماع مسلمانان مرتکب گناه بزرگی شده است سپس گفته است : چرا محدثین ما در طول سه قرن زیاد بن ابیه را به ابی سفیان نسبت داده می گفته اند زیاد بن ابی سفیان در حالی که بین آنها رابطه پدر و پسری وجود نداشته است ؟ شوکانی گفته است که معاویه دستور داد که زیاد را به ابوسفیان نسبت دهند و محدثین از ترس دولت اموی تا او را زیاد بن ابی سفیان می خواندند و مجبور شدند که مرتکب این گناه بزرگ شوند و با احادیث نبی اسلام مخالفت کنند ، اما با سر کار آمدن عباسیان باز هم محدثین و علماء ما زیاد بن ابی سفیان می گفتند . سپس امام شوکانی خود به این پرسش پاسخ داده و گفته است که ؛ «علماء ما به خاطر آنکه اعتقادات ما که در زمان دولت اموی بوده دچار تغییر نشود سعی کرده اند که این اعتقادات را حفظ کنند لذا آن را تغییر ندادند.» من گفتم که این اعتراف صریح شوکانی است بر اینکه ما اعتقاداتی را که در زمان بنی امیه از روی ترس قائل به آن می شدیم بعد از بنی امیه به مرور زمان تبدیل شده به عقیده اصیل ، ابتداء از روی ترس و تقیه ولی به مرور زمان وارد کتب های عقیدتی شده است و – این تعبیر شوکانی است – علماء دیدند که نباید چیزی را که علماء در زمان اموی ها قبول داشتند در زمان عباسی ها قبول نکنیم .

به عثمان الخمیسی گفتم: امام صنعانی – که از دوستان شیخ محمد بن عبدالوهاب و استاد شوکانی است

– گفته است : « در کتب های ما آمده است که هنگام صلوات بر پیامبر بعد از گفتن «اللهم صلّ علی

محمد» باید بلافاصله گفته شود « و علی آل محمد» – که خود محمد بن عبدالوهاب این روایت را قبول

دارد - وقتی این گونه است این سؤال را مطرح می شود که پس چرا علماء ما در زمان عثمانی و عباسی صلوات بر محمد می فرستند ولی بر آل محمد نمی فرستند ؟ » و خود امام صنعانی در ادامه گفته است : « علماء در زمان بنی امیه از قس اموی ها کلمه «آل محمد» را حذف کرده اند چون اینها وقتی دیده بودند که بنی امیه بر آل محمد لعنت می فرستند چطور ممکن است که صلوات بر آل محمد را قبول کنند و بعد این قضیه رواج پیدا کرد و علماء دیدند که چیزی که در زمان اموی مقرر شده نباید با آن مخالفت کنند». من از شیخ عثمان پرسیدم : پس این نشان می دهد که مذهب و آئین ما مذهب پیامبر نیست بلکه مذهب و آئین اموی است چراکه علماء گفته اند هر چیزی که در زمان بنی امیه بوده نباید تغییر پیدا کند!

ایشان سعی کردند جواب ندهند و من به او گفتم که اگر این سؤالات مرا جواب بدهی من به وهابیت خود بازمی گردم چنانکه یکی از خبرنگاران معروف عرب هم به نام «الدُّوَيْتَان» بعدها با آقای عثمان الخمیس ملاقاتی داشت و از ایشان خواسته بود که به سؤالات دکتر عصام جواب بدهید. به آقای عثمان الخمیس گفتم : این واقعاً برای من شبهه شده است و آن رارافضی هامطرح کرده اند ، اگر شما به این شبهه پاسخ بدهید من با کمال میل به وهابیت بازمی گردم بلکه از خدا می خواهم و این به نفع من است که به توجه به مشکلاتی که برایم رخ داده به وهابیت باز گردم.

هدایتی :

جناب آقای دکتر عصام مطلبی را یکی از ائمه جمعه زاهدان مطرح کرده و آن اینکه شما قبلاً شیعه زیدی (شیعه چهار امامی) بوده اید و الان شیعه دوازده امامی شده اید واصللاً شما وهابی نبوده اید ، آیا این مطلب درست است ؟

دکتر عصام العماد :

ای کاش من شیعه می بودم ، این افتخار است . من همیشه اُسُف می خورم و از خدا خجالت می کشم که

چرا وهابی بوده ام . این افتخار نیست که کسی بگوید : من بر آئین محمد بن عبدالوهاب هستم . آیا این افتخار است که تابع شخصی باشیم که 300 جنگ علیه مسلمانان به راه اندخته و هزاران نفر را به نام اسلام کشته است . من لگن شیعیه زیدی می بودم هرگز علیه امام علی سخن نمی گفتم ، آیا یک شیعیه علیه امام علی مقاله می نویسد ؟ من همواره تمنا می کردم که ای کاش امام علی نمی بود و این از روی تفکرات متناقض وهابیت بود که از یک طرف روایات اهل بیت را نقل می کنند و از طرف دیگر پایان نامه علیه اهل بیت می نویسند . در همین مناظره عثمان الخمیسی اگر ایشان بیست در هزار احتمال می داد که من قبلاً وهابی نبوده ام از همان ابتدای گفت که شما اصلاً وهابی نبوده اید و مناظره تمام می شد . اینها همیشه این گونه مطالب را مطرح می کنند ؛ وقتی که شیخ بزرگوار تیجانی شیعیه شد اینها گفتند که این آقا قبلاً سنی نبوده است ، وقتی که دکتر مروان خلیفه شیعیه شد اینها گفتند که این شخص قبلاً سنی نبوده است . بر فرض اینکه بنده بطلاً وهابی نبوده ام این سؤالاتی را که من مطرح کردم که از درون وهابیت است ، شما اینها را پاسخ دهید . اصلاً این مطرح نیست که من شیعیه بوده ام یا وهابی بوده ام یا عالم هستم یا بی سواد هستم . شما به جای اینکه وارد اصل قضیه که پاسخ به این شبهات است شوید ترور شخصیتی می کنید . این سؤالات عصام العماد نیست ، اینها سؤالاتی است که در طول تاریخ مطرح بوده است .

سؤالات بینندگان

— از آقای عصام العماد این سؤال را دارم که چرا شیعیه شدید ؟

— آیا وهابیت ریشه در نژادپرستی هم دارد یا نه ؟

— شما از اینکه شیعیه شدید چه احساسی دارید ؟

دکتر عصام العماد :

بنده مفصلاً در این رابطه سخن گفتم ولی باز هم می گویم که آنچه باعث تحول در من شد عبارتی بود

که از ابن حجر عسقلانی در کتاب ابن عقیل نقل شده بود؛ عسقلانی مانند ابن تیمیه شخصیتی مقدس است در وهابیت . عسقلانی با این عبارت که برای خودش شبهه بوده است اساس مذهب اهل تسنن را زیر سؤال برده و هر کس که این عبارت را بخواند شیعه می شود . مبنای اهل سنت علم رجال است ؛ ایشان علم رجال را زیر سؤال برده و گفته است : «پیامبر فرموده کسی که مبغض علی منافق است و این یعنی اگر راوی حدیث نسبت به علی دشمنی داشته باشد حدیث او مورد قبول نیست و دروغگومی باشد ؛ متأسفانه علماء ما خلاف این روایت پیامبر و بر خلاف مبنای آن حضرت عمل کرده و حدیث هر کس را که با علی دشمن بوده قبول و حدیث کسانی را که نسبت به علی ارادت داشته اند رد کرده اند .» پس باید گفت که احادیث ما اموی است نه نبوی ، البته این حجر از این جواب داده ولی جواب او بسیار ضعیف است . این باعث تحولی در من شد .

اما درباره سؤال دوم ؛ مساوات و برابری در وهابیت وجود دارد ولی مادامی که به نفع اهل سنت و وهابیت باشد مثلاً اینها در مورد ایرانی ها که صحاح سته رانوشته اند و زمانی از بزرگان اهل سنت بوده اند و خدمات فراوانی به اهل سنت کرده اند ولی در حال حاضر به تشیع حمله می کنند الفاظی مثل مجوس به کار می برند . بنده با آن همه خدمت و تدریسی که در دانشگاه ها و مساجد وهابیت داشتم وقتی که شیعه شدم به من عناوین زشت می دادند.

در مورد سؤال سوم که چه احساسی از شیعه شدنم دارم باید بگویم که احساس من مثل احساس یک یهودی است که مسیحی شده است ؛ یهودی ها به حضرت عیسی لعنت می فرستند و وقتی که مسیحی می شود شیفته و عاشق عیسی می شود ، من در زمان وهابیت سخنرانی های زیادی علیه امام علی داشتم امام بعد از بررسی به این نتیجه رسیدم که شخص اول اسلام بعد از پیامبر امام علی علیه السلام است و به این نتیجه رسیدم که خلفای سه گانه کسانی هستند که توسط معاویه بزرگ شده اند .

هدایتی :

در ادامه فرمایشات شما این مطلب را هم اضافه کنم که شخصیت امام علی علیه السلام آن است که خود معاویه در مورد او فرمود : «زن های روزگار عقیم اند که مانند او را بزایند» و من معتقدم که خود وجود مقدس امیرالمؤمنین دست جناب آقای دکتر عصام را گرفته است و همان طوری که یکی از بینندگان فرمودند از آقای دکتر عصام التماس داریم چرا که ایشان مورد عنایت ائمه قرار گرفته اند .